

برآورد بودجه پیشنهادی سال ۱۳۶۶
ایران در میان همه بودجه‌های گذشته
بزرگترین رقم کسر بودجه را دارد: ۱۰۰۰
میلیارد ریال. بودجه عمل شده و واقعی که
کسر بودجه‌ای بیش از ۱۰۰۰ میلیارد ریال
داشته باشد یکبار (در سال ۱۳۶۳) وجود
داشت، اما بودجه پیشنهادی آن سال شش به
مراتب کمتر از رقم واقعی بود. این وضعیت
پسابقه لزوم طرح مسئله را از دیدگاه
اقتصادی ناب مطرح کرد.

آیا کسری بودجه ایران ماندگار است؟

فریبرز رئیس دانا



درفاصله میان دو جنگ کسر بودجه
به ابزاری برای کاربرد سیاستهای رشد
اقتصادی به وسیله دولت تبدیل شد. بعدها
این روش پایه‌های نظری سیاستهای اقتصادی
تازه‌ای را ساخت که بنیانهای خیلی از
نظریه‌های اقتصادی معاصر را می‌سازد. از
آن پس مدیریت بودجه و مسئله مهار کسر
بودجه موضوع بررسیهای اقتصادی عملی و
نظری شد.

اماء کسر بودجه‌ها در نظامهای
اقتصادی کهن و در امپراتوریهای شرق
معمولا حاصل لشکر کشیها، و زیاده‌رویهای
دولتهای متمرکز و دیوانیان و درباریان یا
حاصل فلاکت مردم، مرگ و میر و
ناآرامیهایشان در تامین درآمدهای مالیاتی بوده
است. کم نیستند مواردی در تاریخ که
کسر بودجه و فشارهای مالیاتی برای جبران
آن - و جبران هزینه‌های سیری ناپذیر
دولتها - به قیامها و شورشها و لشکر کشی-
های اقدام دیگر و دست به دست گشتن
امپراتوریهایی یا به قدرت رسیدن نیروهایی
از میان مردم انجامیده است.

چه در امپراتوریهای کهن و چه در
دولتهای صنعتی خیلی پیشرفته اگر شرایط
بنیانی وجود داشته باشد کسر بودجه باز-
می‌گردد یا گسترش می‌یابد؛ آنجا به دلیل
ناگزیری مصرفها و اینجا به خاطر سیری-
ناپذیری انباشت سرمایه‌ها که می‌باید از
منابع دولتی به نوعی تغذیه کنند.

پدیده کسری بودجه به اندازه خود
بودجه، و بیشتر از آن، به اندازه نهاد دولت
قدمت دارد. تفاوتی نمی‌کند که دولتها را
به دولتهای ملی اروپا پس از اضمحلال
فئودالیسم و انقلابهای ملی تعبیر کنیم یا به
دولتهای امپراتوری و شبه امپراتوری شرقی،
په‌هر حال کسر بودجه ناشی از عملکردهای
اختیاری یا به دنبال فشارهای گریزناپذیر
اقتصادی پدید آمده‌اند.

کسری بودجه در دولتهای ملی بیشتر
با جنگها همراه بوده‌اند. به‌طور مشخص
جنگهای دوره ناپلئون در دهه اول قرن
نوزدهم زمان بروز نخستین کسر بودجه‌های
جدی دولتی در مفهوم جدید آن به حساب
می‌آیند. هزینه‌های جنگ و عدم امکان
دریافت مالیات کافی تقریبا همه دولتهای
درگیر در جنگهای قرن هیجدهم را شامل
شده اما این هزینه‌ها در دوره جنگهای
ناپلئون به پدیده‌ای حاد تبدیل شدند.

در آمریکا در جنگهای داخلی سالهای
۶۴-۱۸۶۰ و در اروپا مجددا در دوره
۲۰-۱۹۱۳ کسر بودجه و بدهیهای دولت
بروز و شدت یافتند. پس از آن نیز همه
جنگها، کسر بودجه‌ها را موجب شده یا
آنها را به شدت افزایش داده‌اند. جنگ
ویتنام کسر بودجه آمریکا را به پدیده‌ای
سخت آسیب‌رسان برای اقتصاد و ارزش
پول تبدیل کرد.

نگاهی به کسر بودجه ایران

در بیست سال قبل از سال ۱۳۶۵ - و حتی سالهای قبل از آن، گرچه با استثنای - بودجه کل کشور از حیث هزینه و درآمد (و از این حیث به جز در سال ۱۳۵۹) همواره افزایش یافته است. در سال ۱۳۴۷ کل هزینه‌های بودجه عمومی دولت ۱۸۲ میلیارد ریال بود. این رقم در پیش‌بینی بودجه سال ۱۳۶۵ به ۴۱۵۸ میلیارد ریال رسید. گرچه در عمل به نظر می‌رسد کمتر از رقم ۳۱۶۵ میلیارد ریال بودجه سال ۱۳۶۴ باشد. سالهای ۱۳۵۳ تا ۱۳۵۵ را می‌توان سالهای بودجه تقریباً متوازن دانست. به علت افزایش تقریباً ناگهانی درآمد نفت بودجه سال ۱۳۵۳ برای اولین بار در تاریخ اقتصاد معاصر با مازادی معادل ۱۴۰ میلیارد ریال رو به رو شد. سال ۱۳۶۵ سال عدم اصابت پیش‌بینیها با واقعیتهاست. همه مسئولیت را

* از سال ۱۳۵۹، کسری بودجه بطور متوسط در حدود ۲۵ درصد هزینه‌های بودجه را تشکیل می‌دهد.

می‌توان ناشی از افت درآمد نفت ناشی از عدم امکان فروش کافی و کاهش شدید قیمت از ۲۸ دلار به حدود ۱۴ دلار دانست. در سال ۱۳۶۶ برای اولین بار در تاریخ معاصر اقتصاد در پیش‌بینی بودجه، هم هزینه‌ها افت کرده‌اند و هم کسر بودجه زیادتری در نظر گرفته شده است. حتی امکان دریافت مالیات نیز کاستی گرفته است. وقتی درآمد نفت کم می‌شود سرمایه‌گذاری و اشتغال و لذا درآمدهای ناشی از سایر فعالیتها نیز کاهش می‌یابد. در چنین شرایطی اساساً درآمد مشمول مالیات پایین می‌آید.

کسری بودجه تا قبل از ۱۳۵۲ همیشه رقم بالایی را تشکیل می‌داد. کسری این سالها به علت تعهدات سرمایه‌گذاریهایی برنامه‌های اول تا چهارم بود. استقراض خارجی منبع عمده تأمین کسری به شمار می‌آمد. اشاره شد که کسری در سالهای ۱۳۵۳ تا ۱۳۵۵ به کمترین مقدار خود رسید. اما در سال ۱۳۵۶ به علت تجدید نظر در برنامه عمرانی و ایجاد سرمایه‌گذاری‌های اضافی ناگهان بالا رفت. از سال ۱۳۵۹ کسری بودجه همیشه رقم بسیار بالایی بوده و به طور متوسط در حدود ۲۵ درصد هزینه‌های بودجه را تشکیل می‌دهد. قرار بود در سال ۱۳۶۵ در مقابل ۴۱۵۸ میلیارد ریال هزینه، در حدود ۳۴۰۰ میلیارد ریال درآمد از محل فروش نفت و

دریافتهای مالیاتی و سایر درآمدها ایجاد شود. با احتساب آن هزینه‌هایی که از محل درآمدهای اختصاصی تأمین می‌شد، بودجه مصوب سال ۱۳۶۵ کسری بودجه‌ای در حد ۴۹۰ میلیارد ریال پیش‌بینی می‌کرد. با آنکه در برآورد بودجه سال ۱۳۶۶ ارقام هزینه‌ها به ۳۵۰۰ میلیارد ریال رسید اما باز به علت پیش‌بینی افت شدید درآمدهای نفتی کسری بودجه معادل ۱۰۰۰ میلیارد ریال پیش‌بینی شد.

در سال ۱۳۶۵ درآمدهای واقعی مالیاتی به علت پایین آمدن سطح درآمد ملی - یا دستکم فقدان رشد قابل توجه آن - به‌ویژه در فعالیتهای صنعت و معدن و ساختمان و تا حدی خدمات از مقدار پیش‌بینی شده کمتر خواهد شد. افت سطح درآمد ملی تا حدی به علت پایین آمدن شدید درآمد نفت و تا حدی به علت رکود حاصل از کاهش درآمد نفت است. به نظر می‌رسد درآمد نفت به ۴۰ تا ۵۰ درصد سطح پیش‌بینی شده رسیده باشد. به این ترتیب درآمد نفت نیز به‌جز ۱۵۰۰ میلیارد ریال به ۷۰۰-۶۰۰ میلیارد ریال بالغ خواهد شد. به‌جز مالیاتها و درآمد نفت عامل دیگری نیز در کاهش درآمدهای بودجه نسبت به مقدار پیش‌بینی شده آن دخالت دارد. درآمد دولت از محل انحصارات و مالکیت دولتی، فروش کالا و خدمات و حق بیمه و کمکهای دریافتی و غیره، همگی تحت تأثیر عدم رشد درآمد ملی از حد پیش‌بینی شده کمتر خواهند بود.

اگر درآمدهای دولتی کاهش یافته‌اند، کاملاً قابل پیش‌بینی خواهد بود که هزینه‌ها نیز در سال ۱۳۶۵ کاهش یابند. به نظر می‌رسد که بیشترین کاهش متوجه هزینه‌های عمرانی باشد. بخش عمده‌ای از هزینه‌های جاری دولت تقریباً اقطاع ناپذیر باقی می‌مانند و از آن جمله است هزینه‌های جنگی، کاهش دستمزدها و حقوقها که با تورم حاصل می‌شود از طریق عدم افزایش متناسب آن، در چارچوب صرفه‌جوییهای بودجه جاری، در سال ۱۳۶۵ به بیشترین مقدار خود رسید. کاهش سطح اشتغالهای دولتی بخش دیگری از صرفه‌جوییهای بودجه جاری است.

به‌رغم کاهش هزینه‌ها، اتکای بودجه به درآمدهای ناپایدار آنچنان در سال ۱۳۶۵ زیاد بود که گمان نمی‌رود که کسری بودجه این سال کمتر از ۱۰۰۰ میلیارد ریال باشد. اگر این اظهار نظر برآورد پس‌گویانه (یعنی پیش‌گویی و برآورد آنچه قبلاً اتفاق افتاده و کارشناسان از نتایج آن بی‌اطلاع است) درست باشد آن‌گاه باید یادآور شویم که در ۹ سال پس از انقلاب اسلامی بودجه سال ۱۳۶۶ پنجمین بودجه یا کسری بیش از تقریباً ۱۰۰۰ میلیارد ریال است.

اگر برآورد کسری ۱۰۰۰ میلیارد ریالی سال ۱۳۶۵ درست باشد، باید نتیجه بگیریم که از آغاز سال ۱۳۵۸ تا پایان سال ۱۳۶۵ دست کم ۶۴۰۰ میلیارد ریال کسری بودجه ایجاد شده است (جدول ۱). تقریباً ۵۰۰ میلیارد ریال آن از کل کسری بودجه از محل وام از سیستم بانکی تأمین شد. معنای دیگر این محاسبه این است که از این راه سالانه ۵۵۰ میلیون ریال پول به داخل اقتصاد تزریق شده است. اگر در نظر بگیریم که درآمد ملی به قیمت‌های جاری در سال ۱۳۶۶ تا ۱۳۶۵ تغییر محسوسی نکرده است. فشار بار این مقدار پول را بر سطح قیمت‌ها می‌توانیم بسته به آشنایی خود با ارقام اقتصادی حس کنیم.

کسری بودجه و مالیاتها

در مقابل ۵۵۴ میلیارد ریال مالیاتهای سال ۱۳۶۱، دولت تصمیم گرفته بود که در

* سیاست افزایش مالیاتها در حدود ۶۰-۵۰ درصد در دو سال ۱۳۶۲ و ۱۳۶۳ به هدف رسیده است.

دو سال ۱۳۶۲ و ۱۳۶۳ دریافتی مالیاتها رویهم معادل ۶۰-۵۰ درصد، یعنی سالیانه ۲۷٫۵ درصد افزایش یابد. این هدف، به طور کلی حاصل شد. در گذشته، بیشترین رشد سالانه مالیاتهای دریافتی به‌جز سالهای مربوط به اصلاح قانون مالیاتها در نیمه دوم سالهای ۴۰ زیر ۱۰ درصد و در مجموع سالانه ۸-۷ درصد بود. قانون بودجه سال ۱۳۶۵ تصمیم به اخذ مالیات به اندازه تقریباً ۱۲۸۹ میلیارد ریال داشت. این مقدار ۱۳٫۵ درصد نسبت مالیات به سال ۱۳۶۴ افزایش دارد. اما، برآورد بودجه سال ۱۳۶۶ از يك کاهش در امکان دریافت مالیات حکایت دارد. براساس پیش‌بینی مالیاتهای دریافتی در این سال می‌باید به ۱۱۳۱ میلیارد ریال برسد.

چگونه می‌توان درآمدهای مالیاتی را افزایش داد؟ یافتن يك پاسخ صرفاً متقابل برای این پرسش کار دشواری نیست؛ کافی است نرخ مالیاتها و تعرفه‌ها را بالا ببرید. اگر قبلاً ۱۰ درصد از يك مقدار معین سود ایجاد شده را به عنوان مالیات دولت در نظر می‌گرفتید و سود مزبور نیز ۱۰۰۰ تومان بود شما مبلغ یکصد تومان مالیات اخذ کرده بودید. حالا اگر نرخ را از ۱۰ درصد به ۱۵ درصد افزایش دهید مالیات به ۱۵۰ تومان می‌رسد. اگر این حساب عددی ساده همانقدر در سیاستهای مالیاتسی مصداق داشت که در چهار عمل اصلی، شاید نمی

از استعفاهای وزرای دارایی کشورهای جهان هم مورد پیدا نمی‌کرد. ساده‌تر آنکه، معلوم نیست اگر نرخ مالیات را به ۱۵ درصد برسانید مالیاتها به جای ۱۵۰ تومان مثلا ۹۰ تومان نشود، یعنی کسری دریافتی مالیاتی نیز پدید نیاید؛ گیریم این نتیجه غیرمنتظر نه در عرض یک سال که در سه یا چهار سال بعد خود را نشان دهد.

وقتی نرخ مالیات بالا می‌رود، ممکن است، و البته فقط ممکن است، گروهی از صاحبان سرمایه و تولید، فکر کنند که مالیات مانند بار هزینه اضافی بر دوش آنان سنگینی خواهد کرد و سودشان را کاهش خواهد داد و لذا با توجه به مخاطر سرمایه‌گذاری بهتر است از کار تولید بیرون آیند و یا مقدار تولید را کاهش دهند. حاصل این تصمیمهای پراکنده صاحبان سرمایه می‌تواند گسترش بیکاری و افت سطح درآمدها باشد. اینجا دیگر فقط پای آن ۱۰٪

* گروهی از مردم در رهگذر تغییر سیاست مالیاتی جور گروه دیگر را می‌کشند.

یا ۱۵ درصد در میان نیست تکلیف اصل قضیه یا آن ۱۰۰۰ تومان را باید روشن کرد که در خطر است. اگر آن ۱۰۰۰ تومان به ۶۰۰ تومان کاهش یابد، حتی نرخ مالیاتی ۱۵ درصد نیز قادر به پر کردن خزانه، تا به آن حد که سیاست‌گذار خوش خیال مالیاتی به آن می‌اندیشید، نیست. ۱۵ درصد ۶۰۰ تومان می‌شود ۹۰ تومان، نه ۱۰۰ تومان و نه ۱۵۰ تومان.

مالیاتها انواع و اقسام دارند. تأثیر کاهش یا ازدیاد هر یک از انواع مالیاتها بر

سطح درآمد و اشتغال و سطح قیمتها متفاوت و اندازه‌گیری آن موضوع پیچیده‌ای است. لذا، در مقالاتی از این دست، از ارائه یک بحث تخصصی که می‌تواند نارضا و گناه گمراه کننده باشد می‌پرهیزیم. بهتر است به روشن کردن کلیات با اهمیت و قابل آموزش عمومی بپردازیم.

چه می‌شود اگر مالیاتها از منابعی تأمین شوند که چندان ربطی به سود صاحبان تولید نداشته باشد؛ حتی در اینجا می‌توانیم بحث را با معرفی یک وضعیت جدید، کمی پیچیده‌تر کنیم. اگر بخش عمده تولید در اختیار دولت باشد وضع از چه قرار خواهد بود؟ در شرایطی که دولتها با فشار هزینه‌ها رو به رو هستند، در حفظ سطح درآمد شرکتی تحت پوشش خود اصرار بیشتری از حد و در بسیاری از مواقع ناسنجیده دارند. آنها با خود می‌گویند چه فایده دارد که دولت مالیات خود را از محل سود شرکتی خود تأمین کند، دولتی که گرفتار انواع هزینه‌های گریزناپذیر است دوست ندارد از این جیب به آن جیب کند، هر چند هم این کار مضمّن یک سیاست‌گذاری راه‌اندازانه صنعتی باشد. البته زیر تأثیر فشارهای مربوط به منافع صاحبان شرکتی غیر دولتی و نیز از بیم افت سطح سرمایه‌گذاری - در نیرویی که مشکل از یکدیگر قابل تفکیک باشند - می‌توان به سیاست مالیاتی که به حمایت یا حمایت نسبی از سود شرکتها کم اقدام می‌بندد متوسل شد. اگر یازدانه‌های اجتماعی و اقتصادی آن چنانند که در یک کلام راه را برای تأمین مالیات از محل سودها می‌بندند در همان زمان راه دیگری را می‌کشایند و آن سوراخ کردن کیسه‌های مصرفی است. بالا بردن نرخ مالیاتی و تعرفه‌ها به دلایل قانونی، سیاسی و نیز به دلیل آثار مربوط به روان‌شناسی اقتصادی آن معمولا در فواصل

طولانیتر رخ می‌دهد. اما اشکال دیگری از دریافتیهای مالیاتی وجود دارند که گاه عوارض هم نامیده می‌شوند.

تصمیم افزایش سهم مالیات در بودجه سال ۱۳۶۲ به منظور مقابله با سه پدیده نسبتا مزمن انجام شد: ۱- ناپایداری درآمد های نفتی، ۲- فشار کسر بودجه سالهای گذشته، ۳- هزینه‌های جنگ. ارقام بودجه مصوب در سالهای ۱۳۶۲ و ۱۳۶۳ و ۱۳۶۴ (آنچه در این مقاله منعکس نیست) نشان می‌دهند که دریافتی واقعی مالیات نسبت به پیش‌بینی‌ها گاه کمتر و گاه بیشتر و به هر حال نه چندان انحرافی بوده‌اند. در سال ۱۳۶۴ در حدود ۱۰ درصد کمتر از آن چیزی که پیش‌بینی می‌شد مالیات به دست آمد. کسب درآمدهای مالیاتی به مقداری بیشتر از مقدار پیش‌بینی شده در سالهای ۱۳۶۲ و ۱۳۶۳ به هر حال نشان از امکان واقعی اخذ مالیات در آن سالها داشتند.

* کسر بودجه تراکمی در فاصله ۶۵-۱۳۵۸ در حدود ۶۴۰۰ میلیارد ریال است. نگاهی به بودجه سال ۱۳۶۶

سالهای اقتصادی خوب کماکان سالهای پرفروشی یا خوب فروشی نفت‌اند، برحسب قیمت آن.

جدول ۲ به روشنی آن‌دسته از مالیاتها را که باید اهداف سه‌گانه غیراختیاری فوق را برمی‌آوردند، مشخص می‌کند. آن مالیاتهایی که در ۶ سال اخیر از حیث وجود ندارد. اما مالیات بر فروش سیگار رقم عمده‌ای را تشکیل می‌دهد: در حدود ۲۲۱ میلیارد ریال درآمد دولت از محل مالیات بر سیگار خواهد بود. این، یعنی در حدود ۹٪ درآمدهای شناخته شده دولت

جدول ۱ - خلاصه بودجه عمومی کشور (میلیارد ریال)

شرح سال	۱۳۴۷	۱۳۵۱	۱۳۵۲	۱۳۵۵	۱۳۵۶	۱۳۵۸	۱۳۵۹	۱۳۶۰	۱۳۶۱	۱۳۶۲	۱۳۶۳	۱۳۶۴	۱۳۶۵	۱۳۶۶
درآمد (نفت)	۱۲۷	۳۰۲	۱۳۹۴	۱۸۳۶	۲۱۹۵	(۱۸۷۲)	۱۴۵۴	۱۸۵۷	۲۵۹۱	۲۸۲۳	۲۹۱۳	۲۹۹۴	۳۳۹۹	۲۵۵۰
(مالیات)	(۶۲)	(۱۷۸)	(۱۳۰۵)	(۱۴۲۲)	(۱۵۸۴)	(۱۲۲۰)	(۸۸۹)	(۹۳۸)	(۱۵۶۳)	(۱۵۸۵)	(۱۳۸۲)	(۱۱۸۹)	(۱۴۹۰)	(۶۷۲)
(سایر)	(۵۲)	(۹۹)	(۳۴۲)	(۳۴۲)	(۴۴۴)	(۳۶۸)	(۳۴۰)	(۵۵۴)	(۶۱۴)	(۷۹۶)	(۸۹۹)	(۱۰۳۴)	(۱۲۸۹)	(۱۱۳۱)
هزینه*	۱۶۹	۴۱۷/۸	۱۲۵۴	۱۸۷۲	۲۵۶۰	۲۱۲۳	۲۳۵۷	۲۸۶۱	۳۳۶۷	۳۸۹۵	۳۶۳۲	۳۶۱۵	۴۱۵۸	۳۵۵۰
(جاری)	(۹۹)	(۲۲۷)	(۲۲۸)	(۱۰۴۷)	(۱۲۱۹)	(۱۴۲۳)	(۱۶۴۷)	(۱۶۰۶)	(۱۷۶۱)	(۱۹۸۵)	(۲۰۴۷)	(۲۰۳۰)	(۱۱۹۴)	(۲۰۳۶)
(عمرانی)	(۷۰)	(۱۳۲)	(۳۳۹)	(۵۹۲)	(۹۲۷)	(۵۲۳)	(۵۶۸)	(۹۷۵)	(۹۱۵)	(۱۱۴۹)	(۸۷۸)	(۷۶۵)	(۱۲۲۹)	(۷۷۲)
(جنگ)	(۰)	(۰)	(۰)	(۰)	(۰)	(۰)	(۰)	(۳۸۱)	(۳۹۹)	(۵۰۳)	(۴۴۵)	(۴۸۷)	(۴۲۶)	(۴۳۰)
کسری	۴۲	۱۱۵/۸	+۱۴۰	۳۸	۳۶۵	۲۶۹	۹۰۳	۱۰۰۴	۷۷۶	۱۰۷۲	۷۱۸	۶۲۲	۴۹۰	۱۰۰۰
(وام داخلی)	(۱۹)	(۸۹/۹)	(۷)	(۱۹)	(۳۶۶)	(۳۵۰)	(۶۸۹)	(۷۷۹)	(۵۶۷)	(۶۹۵)	(۳۶۵)	(۳۵۵)	(۳۹۰)	(۹۵۰)
(وام خارجی)	(۲۲/۵)	(۲۵/۸)	(۵۱/۳)	(۷/۸)	(۲۹/۴)	(۲/۲)	(۰)	(۰)	(۰)	(۰)	(۰)	(۰)	(۰)	(۰)
(سایر)**	(۰/۲)	(-)	(۶۱)	(۱۱/۲)	(-)	(-)	(۷۱۴)	(۲۲۵)	(۳۰۹)	(۶۹۴)	(۳۴۳)	(۲۶۷)	(۱۰۰)	(۵۰)
نسبت کسری														
هزینه (درصد)	۲۹/۷	۱۱۵/۸	۱۱/۱	۰/۲	۱۴/۲	(۱۲/۵)	۳۸/۳	۳۵/۱	۲۳/۰	۲۷/۵	۱۹/۸	۱۷/۲	-۱۱/۸	۲۸/۲

* تفاوت رقم جمع هزینه با حاصل جمع اقلام هزینه به علت وجود هزینه‌های منفرقه و صرفه‌جوییهای حین اجرای بودجه است.

+ مازاد بودجه

** مشتمل بر برگشتیهای سال قبل

جدول ۲ - دریافتی انواع مالیاتها در ایران (میلیارد ریال)

نوع مالیات	۱۳۵۶ قطعی	۱۳۶۰ قطعی	۱۳۶۲ قطعی	۱۳۶۳ قطعی	۱۳۶۴ قطعی	۱۳۶۵ مصوب	۱۳۶۶ برآوری
مالیات بر شرکتهای دولتی	۱۰۷/۰	۱۸۴/۶	۱۲۳/۱	۱۱۲/۰	۱۶۲/۰	۱۴۲/۱	۱۳۵/۰
مالیات بر شرکتهای غیردولتی	۵۴/۲	۴۳/۰	۸۵/۵	۱۴۶/۳	۱۹۶/۷	۱۹۶/۹	۱۵۲/۸
مالیات بر حقوق	۴۰/۵	۵۵/۷	۵۸/۹	۷۳/۲	۸۷/۰	۸۰/۴	۹۰/۴
سایر مالیتهای بردرآمد	۱۸/۱	۲۲/۵	۳۱/۹	۳۳/۲	۴۹/۹	۱۱۳/۶	۱۰۵/۱
مالیات بر ثروت	۱۲/۹	۱۶/۰	۳۳/۶	۴۱/۳	۳۵/۹	۴۳/۶	۴۹/۰
مالیات بر واردات	۱۷۱/۸	۱۶۹/۷	۳۴۶/۳	۳۴۵/۷	۲۷۳/۸	۴۰۹/۳	۲۴۰/۷
مالیات بر مصرف و فروش	۴۴/۶	۶۲/۵	۱۱۸/۲	۱۴۸/۳	۲۳۰/۳	۳۱۴/۲	۳۵۹/۹
جمع مالیاتها (درصد رشد)	۴۴۳/۶	۵۵۴/۱ (۲۵/۰)	۷۹۶/۵ (۴۴)	۸۹۸/۷ (۱۳)	۱۰۳۳/۷ (۱۵)	۱۲۸۸/۸ (۲۵)	۱۱۳۱/۱ (-۱۳)
نسبت کل درآمدهای بودجه عمومی (درصد)	۲۰/۲	۲۹/۸	۲۸/۲	۳۰/۸	۳۴/۵	۳۵/۱	۴۴/۴

در سال ۱۳۶۶. خشکاندن این منبع مالیاتی، بهرغم هشدارهای بهداشتی، بیش از اندازه مقدار جهش کرده اند همان جور کسان مالیاتی هستند که عبارتند از: مالیات بر واردات، مالیات بر مصرف و فروش و مالیات بر شرکتهای غیر دولتی. اما هیچ اندازه‌ای از بار مالیاتی را در واقع جداول تعایش اقتصادی نمی‌پردازند. گروهی از مردم در رهگذر تغییر سیاست مالیاتی جور گروهی دیگر را می‌کشند. البته مهم است که چه کسی این تقدیر را رقم می‌زند؛ اما اینک شناختن غول بیابان اهمیت بیشتری دارد. نشان دادن ارقام داخل جدول چیزی جز تکرار یک پدیده به هر حال پدید آمده نیست. اگر نتواند تاثیرات اجتماعی و اقتصادی بلا فصل و جنبی و جنبی‌تر را بازشناسد. مالیاتهای یاد شده را به شیوه زیر باز می‌شکافیم:

مالیات بر واردات در واقع بیشتر مالیات بر کالاهاى مصرفی است. سیاست این است که از وابستگی هرچه بیشتر به کالاهاى مصرفی خارجی (البته به نفع کالاهاى سرمایه‌ای و تا حدی واسطه‌ای) کاسته شود. این سیاست خوب است یا بد، به نقد حاصل آن هم گران شدن کالاهاى مصرفی است و هم کمیاب شدن آنها.

مالیات بر مصرف و فروش - گران کردن مستقیم کالا است از یک ناحیه مترکز. معمولاً این نوع مالیاتها، بدواً کالاهاىی مانند سیگار و الکل را هدف می‌گیرند تا در کار گران شدن نشان موعظه‌ای عملی در طردشان نیز وجود داشته باشد. معمولاً هیچ کس هم به این سوال جواب نمی‌دهد که اگر بازداشتن مردم از مصرف آنها است، پس سهم فزاینده درآمدهای دولت را از آن محل چگونه می‌توان توجیه کرد؟ در ایران اسلامی مسأله مالیات بر الکل نوشیدنی

خرشان آمیز به نظر می‌رسد. هیچ باغدار عاقلی آن قدر سرشاخه‌های تاک را هرس نمی‌کند که دیگر بر نهد. آن قدر می‌برد که بیشترین نیروی بارآوری به کار افتد. طرح مبارزه با سیگار در چنین شرایطی دامنه‌های عملی محدودی خواهد یافت. در سال ۱۳۶۳ مالیات بر سیگار ۴۴ میلیارد ریال بود، یعنی ۵ درصد درآمدهای بودجه و در فاصله چهار سال ۵ برابر شده است. به هر جهت تا آنجا که به فشار باز مالیات بر مصرف و فروش مربوط می‌شود هیچ یک از اقلام آن در بودجه ایران به خوردی خود نقش شدیداً فزاینده در افزایش هزینه زندگی نداشته‌اند، مگر مالیات بر بنزین و گازوئیل که هزینه سوخت منازل، هزینه حمل و نقل، هزینه سوخت موتورهای کشاورزی و غیره را بالا می‌برد. مالیات بر سیگار فراغت خاطر خیلی‌ها، از جمله کارگران و کارمندان کم‌درآمد و دهقانان کم‌بصاحت را، که فراغت بال را موقوف به دود کردن کرده‌اند سخت‌تر می‌کند. این، البته، با حساب مستقیم هزینه زندگی تفاوتی دارد.

مالیات بر شرکتهای غیردولتی در فاصله پنج سال تقریباً ۵ برابر شده است. ظاهر قضیه چیز زیادی را نشان نمی‌دهد اما واقعیت دارد که این مالیات فقط گاه به گاهی دامن آن سودهای سهل الوصول تمسخرآمیز باد آورده را می‌گیرد که از رهگذر گردش - توقف کالاها در دهلیزیهای توزیع، در خانه‌های شمار اندکی از صاحبان سرمایه تجاری و تجاری‌سازی را می‌زنند. وقتی شرایطی وجود دارد مساوی با تنگناهای تولیدی به اضافه محدودیت عرضه کالاها به اضافه نیازهای عامه به اضافه نقدینگی فراوان اربابان تقاضای سنگین پولی، آن گاه انتقال بار مالیات به دوش مصرف کننده آسان است.

مگر اخلاق حرفه‌مندی یا جهان بینی مردم - گرایانه باز دارد و گرنه امکان انتقال چنین باری را بسیاری از تکنوکراتها و متخصصان و عرضه کنندگان خدمات تخصصی، مثلاً از جمله پزشکان نیز دارند. اگر تحقق آن کم است، علت آن ارتباط مردمی حرفه است تا ارتباط سودمندان.

حاصل عملکردهای میانه مدت و کمتر از میانه مدت مالیات بندی تازه، افزایش هزینه زندگی است. بر اساس نرخهای رسمی (دولتی) در فاصله ۱۳۶۱ تا ۱۳۶۵ قیمت کالاها و خدمات مصرفی سالانه ۲۰ درصد افزایش یافته است. افزایش هزینه زندگی، با احتساب قیمتهای واقعی، آشکارا خیلی بیش از این مقدار است.

اگر افزایش هزینه زندگی ادامه یابد تمایل بودجه به ایجاد کسریهای حساب نشده فزونی می‌گیرد. اولاً دولت که خود خریدار و مصرف کننده عمده‌ای به شمار می‌آید مجبور است بار گرانی بیشتری را تحمل کند و با بالا رفتن غیرعادی هزینه‌ها، با کسری بودجه بیشتر رو به رو شود. نازبا ولی گرچه در این مورد به اندازه‌های محدود، فشارهای مربوط به افزایش حقوق و مزایا بالا می‌رود. این فشار به خصوص در مورد استفاده‌های قراردادی و تازه‌ای که از حیطه محتوای خدماتی اهمیت حیاتی دارند بیشتر است افزایش پرداختها به معنای امکان بروز کسری پیش‌بینی نشده است. ثالثاً صرفه‌جوییهای دولتی به منظور مقابله با فشار تورم به معنای افت کل سطح سفارشات است که آن هم موجب افت سطح درآمدها و لذا مالیاتهای دریافتی می‌شود. به تدریج دریافتی واقعی مالیات از پیش‌بینی عقب می‌ماند. در عمل، ترکیبی از این عوامل است که موجب می‌شود، تورم به افزایش یا دست کم مهارناپذیری سالیانه کسری بیانجامد. ●